

وحید میرزا رضا خان نائینی

هر چند سالها است که اینجانب از آثار دانشمند فقید مرحوم وحید استفاده نموده و دوره مجله ارمغان مونس شب و روز اینجانب بوده و هیچگاه آن مرحوم را فراموش نکرده و پیوسته بروان آن مرحوم درود میفرستم لیکن بیانات شیرین و عبارات جذاب آقای امیربختیاری راجع بشرح حال آن شاعر گرانمایه و محقق عالیقدر و تجلیلی که بحق از مقام شامخ علمی و ادبی و اخلاقی آن مرحوم میشود و از رادیو پخش میگردد بنده را نیز تشویق نمود که قسمتی از خاطرات خود را برشته تحریر درآورم .

مرحوم وحید قریب به نیم قرن بادیبیات فارسی و زبان ملی ما با نهایت جدیت و مجاهدت خدمت کرد او بزبان و ادبیات فارسی که اساس و پایه استقلال کشور است عشق میورزید او شعر و شاعری و نویسندگی را نردبان و پایهای برای نیل و ارتقاء بمقامات عالی صوری دولتی برنگزیده بود . درتشکیلات جدید دادگستری مرحوم داور وزیر وقت آن مرحوم را برای ریاست دادگستری گیلان انتخاب نمود لیکن او این مقام را نپذیرفت او ایمان و عقیده بخدمت فرهنگی و علمی و ادبی داشت در زمانیکه او میزیست وسائل امروزه فراهم نبود معظمله با مشقت زیاد و رنج فراوان به تصحیح دو اوین شعراء فارسی زبان همت گماشت او در عین حال که شاعر گرانمایه بود محقق عالی مقامی نیز محسوب میگردد بنده بواسطه دوری از مرکز و ماوریت خارج از تهران کمتر خدمت آن مرحوم میرسیم بعداً که بنهران آمدم باتفاق مرحوم سید محمد سعید معروف و ملقب بسطان العلماء نائینی که مشارالیه نیز از نخبه فضاء و فقهاء و قضات دانشمند دادگستری بود شبی بمنزل دانشمند فقید مرحوم میرزا رضا خان نائینی رفتیم مرحوم میرزا رضا خان نائینی که از جمله دانشمندان و فضاء و محقق عالی مقامی بود در تشکیلات جدید دادگستری بسمت دادستان کل کشور تعیین و از مفاخر دادگستری ایران و از جمله دادستانهای کم نظیر و شجاع دیوانعالی کشور بود . معظمله تا حین فوت

این سمت را داشت و پس از فوت آن مرحوم تصور میکنم مرحوم صدر الاشراف به این سمت تعیین گردید . بهر حال در منزل مرحوم نائینی مرحوم وحید و چند نفر از فضلا حضور داشتند مرحوم نائینی فوق العاده از مرحوم وحید تجلیل مینمود و عقیده داشت بهمان درجهای که مرحوم وحید شاعر گرانمایه و توانا است استاد و محقق عالی قدری نیز میباشد این اولین جلسهای بود که اینجانب بدرک فیض حضور مرحوم وحید نائل شدم و بعداً چندین دفعه دیگر در انجمن ادبی ایشان را ملاقات کردم مرحوم نائینی که خود مردی فاضل و ادیبی دانشمند و پژوهنده عالی مقامی بود فوق العاده بمقام علمی و ادبی و اخلاقی مرحوم وحید ارج می نهاد و او را میستود دلیل بارز این قسمت نامه یا مقاله ای است که مشارالیه در شهریور سال ۱۳۰۴ بمرحوم وحید نوشته و چون ضمن آن مقاله مفصل مطالب علمی و تاریخی و خلاصه انتقاد ادبی وجود داشته مرحوم وحید ناکزیر گردیده که آن مقاله را که مشحون از ستایش مرحوم وحید است در شماره ۵ و ۶ مجله ارمغان سال ششم صفحه ۳۲۶ درج نماید در آن مقاله مرحوم نائینی مینویسد (خدمت جناب مستطاب ادیب فاضل و ارباب کامل و حیدالدهر و فرید الزمان آقای وحید موسس مجله ارمغان نظر باینکه شغل اهم این فانی از عنفوان جوانی و سرگرمی اعم از بدو دوره زندگانی بعوض اغتنام مفسده الفراغ والشباب طالب مشتتهیات نفسانی و پیروی آمال و امالی شیطانی و عشرت و کامرانی مطالعه کتب و اوراق که التذاذ روحانی و آرایش نفس است ب سرمایه های جاودانی و پیرایش آن از ذات جهل و نادانی بود که عمری است بدان شفته و عاشق زارم اینک که عمر به پنجاه و اند رسیده دلیلی ندارد تغییری در مسلک قدیم دهد .

گر برکنم دل از تو و برگیرم از تو مهر آن مهر بر که افکنم آن دل کجا برم
اگر ضعف با صره که چندی است مبتلایم ساخته و در وادی یاس و حرمانم انداخته
اجازه دهد و مانع نگردد شب و روز جز با کتابی چند که سرمایه عمر و زندگانی من است
با چیزی و کسی الفت و پیوند ندارم . که طشت زرینم و پیوند نگیرم بسریش
لکن، از تو ایدوست نگسلم پیوند و ر به تیغم برند بند از بنـــــــد
پس ظاهر است همواره با کمال اشتیاق و انتظار تقویم مقابل نظر است و چشم بر در
تاکی ماه بسرسد و مجله ارمغان چون آفتاب از در درآید و از مقالات شیرینش کسب لذتی
کنم و از ملاحظه اشعار نمکینش درک سعادت . باری دیشب در این حال انتظار بودم کسه
(حلقه بر در زدنادی سرور) و حامل فرح و حیور، بار از رخ پرده برگرفت و کار چراغ
خلوتیان باز در گرفت. بی اختیار گفتم (بخت باز آید از آن در که یکی چون تو درآیید)
فورا" از کلیه اوراق و کتب دوری گزیدم و تمامی وقت را بمطالعه آن بخشیدم که :

هست آئین دو بینی ز هوس
 قبله عشق یکی باشد و بس

پس تمامی مندرجات را بدون انقطاع و با نهایت استحسان و استعجاب زیارت نمودم که چشم بدت دورای بدیع شامیل با اینکه هرگز از چشم بداندیشی نظر نمیکنم و جز هنر نمی بینم تعرض را خوش ندارم و انتقاد بی جا را مخالف اخلاق پندیده می شمارم مختصر انتقادی بنظر رسید بهتر آن دانستم بلاتأخیر اظهار دارم اگر جنابعالی سهو کرده اید اصلاح آنرا بنمائید شاید بنده خطا می کنم و این مسئله از امور عادی است البته در این صورت آگاهم میفرمائید و بر علم می افزائید هم شکرگذار میشوم هم از این گستاخی معذرت میطلبم باری در صفحه ۱۳۲ مجله شریفه ۳ و ۴ سال ششم پس از نقل مکالمات ولید بن عبدالملک اموی با اعراب و اصلاحات عمر عبدالعزیز مرقوم شده پس از ولید عمر بن عبدالعزیز مشوق علوم عربیه بوده و در عهد او خلیل ابن احمد بصری و سیبویه و اخفش این علم را بدرجه کمال رسانیده اند در این عبارت بنظر قاصر بنده سهوی است حالا عمر عبدالعزیز مشوق علوم عربیه بوده تا بوده بطور جزم عرض نمیکنم در جزو فضائل و مناقبی که مورخین برای او نوشته اند چنین امری بنظر بنده نرسیده ولی بدیهی است بنده را احاطه کامل بتمام مصنفات نیست و عدم وجدان دلیل عدم وجود نخواهد بود ولی چیزی را که محققاً میتوانم عرض بکنم این است که این اساتیدی که ذکر فرموده اید از معاصرین عمر یا لا اقل از علمای عصر او نیستند... این بود قسمتی از مقاله مفصل و مشروح مرحوم نائینی که با ذکر شواهد تاریخی و مآخذ نظریات خود را اعلام میدارد و در آخر مقاله مینویسد، اما در مسئله امرداد و خرداد کاملاً حق بجانب جنابعالی است په درجهای که بنده تا حالا هر جا امرداد می دیدم سهو کاتب یا حروفچین می دانستم و بعقیده بنده مخترع این لفظ برای مضحکه این اختراع بدیع را نموده گویا گمان کرده اند الفی را که در برخی از کلمات و اسامی در لغت دری و پهلوی افزود و حذف میشود قابل قیاس است مثلاً" میتوان اپهلواز انو گفت بدلیل اشکم و شکم و اکشتاسب و اجمشید گفت بدلیل افریدون و فریدون باری باید دانست که لغت هر زبانسی توفیقی و بر حسب وضع واضع و دلیل آن فقط استعمالات است و قیاس و اجتهاد را در آن راهی نیست بالاخره در آخر این مقاله محققانه مرحوم وحید چنین مینگارد، آنچه استاد فاضل ابوالفضائل آقای میرزا رضا خان نائینی مرقوم داشته اند تحقیق حق و حق تحقیق است قسمت اینکه در عهد عمر عبدالعزیز خلیل ابن احمد و سیبویه و اخفش علم نحوراً به کمال رسانیده اند ما از کتاب نفایس الفنون نقل کرده و به اطمینان آن کتاب در مقام تحقیق بر نیامدیم اینک فوق العاده سپاس گذاریم که مهین استاد فاضل ما در مقام تحقیق برآمده و پرده از روی حقیقت برداشته، صاحب نفایس الفنون هم البته بی تحقیق این مسئله

را نگاشته و گرنه بحکم تاریخ خلاف آن را مینگاشت .

بهرحال سخن از مرحوم وحید بود و مطلب بدرآزا کشید از سالهای ۱۳۱۵ به بعد هر وقت به تهران می‌آمدم وقت را غنیمت شمرده و بخدمت مرحوم استاد میرسیدم او از وضع و تصویب بعضی لغات فرهنگستان خیلی ناراحت بود و نسبت به لغت سازان و ناخبردان که بعضی از روی جهل و نادانی در مقام انهدام کاخ رفیع دانش و ادبیات برآمده و بسا وضع کلمات ناهنجار و دور از ذهن و یا مضحک خود درصدد از بین بردن زبان شیرین فارسی بودند سخت رنج میبرد و در هر شرایط و زمانی بود با قلم توانای خود در مقام دفاع از آن برمیخواست و شاهد برایم مدعا مقالاتی است که در مجله آرمغان بچشم میخورد چون مرحوم وحید با آنچه میگفت و مینوشت معتقد و دارای حسن نیت بود از این جهت چراغ علم و دانش و فضیلت بحمداله در خاندان وحید هیچگاه خاموش نگردید و علاوه بر اینکه مجله آرمغان بکوش آقای وحیدزاده (نسیم) فرزند مرحوم وحید کماکان انتشار مییابد از سال ۱۳۴۲ تا بحال دانشمند محترم جناب آقای دکتر وحیدنیا با سعی و کوشش خستگی ناپذیر خود با انتشار مجله‌ای بنام وحید و مجله‌ای بنام خاطرات وحید همت گماشت و به این مشعل فروزان علم و دانش رونق و جلا بیشتری داد و خدمات شایانی بفرهنگ و ادبیات فارسی و مخصوصاً تاریخ معاصر ایران نمود و گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت که خالی از ابهام بود با اسناد و مدارک تاریخی غیرقابل انکار روشن و واضح نمود که بدیهی است مورد استفاده پژوهندگان تاریخ واقع خواهد گردید. توفیق مشارالیه را در این راه از خداوند متعال مسئلت دارد .

بقیه از صفحه ۲۵

بالاخره نمیتوانم جوابی را که آقای وحید در قطعه (سلام به نسل جوان) خطاب به پوشکین داده‌اند مسکوت عنه بگذارم . این جواب نجیبانه یکی از بهترین اشعار است که بافتخار شاعر بزرگ ما سروده شده و حاکی از اینست که اهمیت عظیم پوشکین را برای ادبیات جهانی کاملاً درک کرده‌اند .

آقای وحید به خوانندگان ایرانی هم خدمت بزرگی کرده‌اند و آنها را با آثار پوشکین و در عین حال با ادبیات روسی آشنا کرده‌اند . من تصور میکنم تمام خوانندگان که میتوانند قدر و قیمت زیبایی و شیرینی اشعار فارسی را بدانند باید از صمیم قلب سپاسگزار آقای وحید باشند که چنین کار شگفتی را انجام داده و کاری صورت داده که موجب استهسکام روابط معنوی بین ملل بوده است .